

دوفصلنامه مطالعات اخلاقی و تربیتی

دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اخلاق و تربیت

سال دوم - شماره دوم - بهار و تابستان ۱۴۰۴

روش استخراج اهداف تربیت از قرآن کریم

سید علی کاظمی^۱

چکیده

در میان عناصر مختلف تربیت، «اهداف» به دلیل جهت‌دهی به سایر مؤلفه‌ها (روش‌ها، اصول، محتوا و...) از اهمیت بالایی برخوردارند. با توجه به اهمیت این موضوع، نظریه‌پردازان حوزه تربیت به تفصیل به آن پرداخته‌اند؛ اما از روش و منطق به‌دست‌آوردن اهداف از متون دینی، خصوصاً قرآن کریم، به‌گونه‌ای مستقل بحث نکرده‌اند. هدف از این نوشته، ارائه نمونه‌ای از تفسیر تربیتی با محوریت روش استخراج اهداف تربیت از قرآن کریم است. روش به‌کاررفته در این پژوهش، جمع‌آوری آیات مورد استناد اندیشمندان اسلامی و تأمل در اسلوب‌ها و قالب‌های استفاده‌شده در این آیات است. یافته‌ها نشان دادند که صاحب‌نظران با توجه به اسلوب‌های بیانی (ادات غایت، مفعول‌له، افعال دلالت‌کننده بر خواست مولی) و قالب‌های به‌کاررفته در آیات قرآن (هدف خلقت، هدف رسالت، هدف قرآن، صفات و وظایف انبیا و...) توانسته‌اند به اهداف تربیت از دیدگاه قرآن دست یابند. با توسعه این دو روش، می‌توان به کلیدواژه‌های متفاوتی از قرآن برای اهداف تربیت رسید. سپس با توجه به مراتب طولی و عرضی اهداف و ساحت‌های سه‌گانه شناخت، احساس و رفتار، مجموعه هدف‌گایی، اهداف میانی و جزئی تربیت به‌طور منظم بیان شده است.

کلیدواژه‌گان: اهداف، قرآن، تربیت دینی، هدف‌گایی تربیت، هدف میانی تربیت

^۱ طلبه سطح چهار تفسیر تربیتی موسسه تخصصی امام سجاد (ع)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

بحث از «اهداف تربیت» در کتاب‌های تعلیم و تربیت بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا اساساً تربیت، عملیاتی هدفمند و مقصدگراست که ناگزیر نیازمند محدودسازی اهداف است و گرنه تربیتی بی‌ثمر خواهد بود (الکیلانی، ۲۰۰۹م، ص ۱۶). بحث و بررسی پیرامون روش دستیابی به اهداف تربیت، یکی از پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت است که کمتر درباره آن کار جدی صورت گرفته است. متفکران مسلمان در این حوزه، بیشتر به ذکر اهمیت و مفردات بحث پرداخته‌اند و به منطقی استخراج اهداف از متون دینی توجه چندانی نکرده‌اند.

از آنجا که کتاب و سنت به عنوان اصلی‌ترین منبع هدایت انسان در گستره حیاتش (دنیا و آخرت) مطرح است، لازم است نسبت به روش استخراج اهداف تربیت تلاش جدی‌تری صورت گیرد تا تفاوت عبارات‌های اندیشمندان بر اساس ملاک‌ها و روش‌های مشخصی، قابلیت رد یا اثبات داشته باشد. (در میان دانش‌پژوهان مسلمان، با استفاده از بیانات قرآنی، تفاوت‌های زیادی درباره اهداف تربیت دینی وجود دارد؛ از آن جمله است: عبادت خدا، خضوع برای او و خلافت در زمین با محقق ساختن شریعت الهی و اطاعتش، تنظیم رفتارها و نگرش‌ها بر اساس دین و محقق ساختن عبودیت در حیات فردی و اجتماعی (نحلاوی، ۱۹۹۹، ص ۱۰۸-۱۰۷)؛ ساختن فرد مسلمان که عمل صالح را برپا می‌دارد (کیلانی، ۲۰۰۹، ۴۱)؛ انسان کامل (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۴)؛ رسیدن به مقام قرب و خلیفه الهی (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۴۰) و پرورش انسان در تمام شئون حیات مادی و معنوی (حجتی، ۱۳۷۷، ص ۳۶)).

هدف در این نوشته، ارائه نمونه‌ای از روش استنباط در تفسیر تربیتی با محوریت استخراج اهداف تربیت دینی است. مراد از تربیت دینی، تربیت بنیادینی است که تحولی در شناخت، احساس و رفتار انسان ایجاد می‌کند؛ تربیتی که انسان را با بینش‌هایی نسبت به خود، جهان و زندگی همراه می‌سازد و احساس، عشق و در نهایت رفتار و عمل او را متحول می‌کند. تربیتی که

می‌تواند انتخاب‌های اساسی انسان را در مسیر رسیدن به اهداف دینی شکل دهد و مسیر کلی زندگی او را مشخص کند.

یکی از روش‌ها برای شناساندن اهداف تربیت، استفاده از قالب‌ها و اسلوب‌های بیانی است که بخشی از آن‌ها در ادبیات عرب بحث شده و برخی دیگر با دقت در آثار اندیشمندان تربیت دینی قابل استخراج است. قالب‌ها همان موضوعات کلی و متناسب با هدف تربیت هستند که از میان آن‌ها می‌توان هدف خلقت، هدف رسالت انبیا، هدف انزال قرآن و... را نام برد که می‌توانند راهنمایی برای کشف هدف تربیت باشند. همچنین، اسلوب‌های بیانی از جمله روش‌هایی هستند که در پرتو این قالب‌ها می‌توانند به استخراج اهداف تربیت دینی کمک کنند؛ اسلوب‌هایی همچون ادات غایت مثل لام غایت، جملات بعد از «لعل»، «حتی»، «کی» و «مفعول لاجله». بنابراین، با استفاده از قالب‌ها و اسلوب‌های مختلف می‌توان به اهداف تربیت دینی از قرآن دست یافت؛ البته سخن از انتخاب هدف غایی تربیت و رابطه بین اهداف میانی و هدف غایی تربیت، موضوع دیگری است که نوشته‌ای دیگر می‌طلبد. سعی ما در این نوشته، پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان به وسیله قالب‌ها و اسلوب‌های مشخص، اهداف تربیت دینی را از قرآن استخراج کرد؟

تبیین هدف

هدف در لغت، به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان، تپه و کوه به کار رفته است و گویا «غرض» یا همان نشانه‌ی تیراندازی نیز از این جهت که در ارتفاع قرار داده می‌شده، هدف نامیده شده است. به هر حال، هدف مطابق یک معنا، همان غرض است (الفراهیدی، ۱۳۴۰ق). معمولاً واژه «هدف» را برای «چیزی که مطلوب فاعل است و وی برای به دست آوردن آن کاری را انجام می‌دهد» به کار می‌برند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۷).



تبیین تربیت دینی

تربیت، مفهومی اختلافی است که صاحب‌نظران به‌گونه‌های مختلفی آن را تعریف کرده‌اند؛ به‌ویژه آنکه با مفاهیم و واژگانی نظیر تعلیم، حرفه‌آموزی، تزکیه، تهذیب و تلقین نیز همراه شده، مرزهای مشترکی دارد و گاه به جای آن‌ها به کار می‌رود. تربیت از ماده «رَبَّوْا»، به معنای افزودن و رشد و نمو آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق). علاوه بر تعریف لغوی، در اصطلاح نیز برای تربیت، تعاریف متعددی بیان شده است. با این همه، شاید خلاصه‌ترین تعریفی که بتواند تا حد زیادی مقصود ما را از تربیت روشن کند و اغراض دیگران را هم در بر بگیرد، تعریف ذیل باشد:

«تربیت عبارت است از شکوفا ساختن استعدادها و تأمین نیازهای فرد» (صفایی حائری، ۱۳۸۸، ۳۶).

آنچه این تعریف عام را قید می‌زند و روش تربیتی اسلام را نسبت به مکاتب دیگر متمایز می‌سازد، هدفی است که در پس این شکوفایی قرار دارد. با توجه به این نکته، تربیت دینی را می‌توان چنین تعریف کرد: «تربیت برگرفته از آموزه‌های دین (اسلام) با هدف عبودیت خداوند به‌واسطه تغییر و تحولی که در ابعاد اعتقادی، عاطفی و رفتاری انسان دین‌دار ایجاد شده است.»

گام اول: قالب اهداف تربیت در قرآن

خداوند در قرآن برای بیان غرض هدایت و تربیت انسان‌ها، از قالب‌های مختلفی استفاده کرده است. منظور از قالب، موضوعات کلی است که به ما برای دستیابی به اهداف هدایت کمک می‌کند. یافتن این قالب‌ها ضروری است؛ چراکه نمی‌توان به مطالعه قرآن پرداخت، به واژه‌های مختلفی رسید و بیان کرد که مثلاً «تقوا»، «قرب»، «انفاق»، «نیک‌ی به والدین» و... هدف تربیت هستند و این‌چنین استدلال کرد که دین می‌خواهد همه انسان‌ها متقی و یا اهل انفاق شوند؛ بلکه در مرحله اول، روش رسیدن به اهداف تربیت مهم‌تر از رسیدن به کلیدواژه‌ها است.

بیانات قرآن به گونه‌ای نیست که صراحتاً هدف تربیت را بیان کرده باشد. بنابراین، لازم است تا موضوعات کلی که می‌توانند بیانگر هدف هدایت و تربیت باشند، شناسایی شوند و با بررسی آن‌ها به عناوین مختلف هدفی رسید. قالب‌هایی همچون هدف خلقت، هدف رسالت انبیا، اهداف قرآن و دستورات کلی می‌توانند ما را به هدف تربیت سوق دهند. در ادامه، صفات و وظایف انبیا، متعلق رجا و طلب، صفات مطلوب در فرد و جامعه و در نهایت امر به صفات نیکو، قالب‌های پیشنهادی مختلفی هستند که برای کشف اهداف تربیت از قرآن قابل استفاده‌اند.

(۱) هدف خلقت

از هدف خلقت انسان و هستی می‌توان به این نکته پی برد که هدایت و تربیت انسان باید به آن سمت باشد. قرآن هدف خلقت انسان را «عبودیت» می‌داند و تربیت دینی باید رسیدن به این غایت را برای انسان هموار سازد. از همین روست که «عبودیت» علاوه بر اینکه هدف خلقت است، هدف غایی تربیت نیز هست (باقری، ۱۳۸۵، ص ۸۱). خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶)؛ یعنی مریبان الهی می‌کوشند تا فراگیران را در دستیابی به هدف پایانی آفرینش یاری دهند و آنان را در راه دستیابی به این کمال، گام‌به‌گام رهنمون و امدادگر باشند (شاملی، ۱۳۸۴). از همین روست که آیت‌الله مصباح نیز همسویی بین هدف خلقت و تربیت را چنین بیان می‌کند: «همچنین تحقق مهم‌ترین هدف آفرینش انسان، تربیت انسان به‌عنوان عبد صالح خداست که فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

علاوه بر هدف خلقت انسان، هدف آفرینش جهان هستی قالبی دیگر است که ما را به هدف تربیت راهنمایی می‌کند. اگر نگاه ما به هستی این‌چنین رقم خورده باشد که هدف از آفرینش جهان، پیدایش انسان و فراهم شدن زمینه برای رشد، تعالی و تکامل او بوده است، می‌توان هدف تربیت انسان را نیز همسو با هدف آفرینش جهان تصویر کرد. همچنان‌که قرآن کریم با اشاره به این هدف، خلقت آنچه را در زمین است برای انسان می‌داند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/۲۹). از همین روست که در روایاتی، ائمه اطهار (علیهم السلام) به عنوان هدف آفرینش سایر مخلوقات ذکر شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۵۴، ص ۱۹۹) «لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۵۴، ص ۱۹۹)؛ «فَلَوْلَاكُمْ مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ» (همان، ج ۳۶، ص ۳۰۲). بنابراین، می‌توان گفت با این قالب (هدف خلقت)، هدف از آفرینش همه مخلوقات، به وجود آمدن نوعی انسان بوده که قابلیت وصول به بالاترین درجات کمال را داشته باشد؛ هدفی که در وجود انوار پاک معصومان (علیهم السلام) به فعلیت کامل رسیده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

یکی دیگر از آیاتی که هدف خلقت هستی را بیان می‌کند، آیه‌ای از سوره طلاق است که خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق/۱۲). صاحب تفسیر نمونه ذیل این آیه چنین می‌نویسد:

«در پایان به هدف این آفرینش عظیم اشاره کرده، می‌گوید: “این‌ها همه به خاطر آن است که شما بدانید خداوند بر هر چیزی توانا است و علم و آگاهی او به همه چیز احاطه دارد.” چه تعبیر جالبی که هدف این آفرینش عظیم را آگاهی انسان از صفات خدا از علم و قدرت او می‌شمرد که آگاهی از این دو صفت برای تربیت انسان کافی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۴).

با توجه به قالب هدف خلقت انسان و هستی، می‌توان عبودیت، انسان کامل و آگاهی از صفات خداوند را به عنوان اهداف تربیت دانست. البته در این قسمت فقط به دنبال کشف عناوین دال بر هدف هستیم؛ اما اینکه کدام‌یک از آن‌ها شایسته هدف غایی یا میانی تربیت است، نیازمند پژوهش مستقل می‌باشد.

۲) اهداف رسالت و بعثت

قالب دومی که می‌توان اهداف تربیت را از آن استخراج کرد، اهداف بعثت و رسالت است. منظور از اهداف بعثت، آیاتی است که مخصوص پیامبر اکرم ﷺ است و اهداف رسالت، آیاتی هستند که برای عموم انبیا یا مخصوص یکی از انبیا نازل شده باشند. همچنان که در قرآن بر دو مسئله «تزکیه» و «تعلیم» به‌عنوان هدف انبیا تأکید شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (طلاق/۱۲). در آیه فوق، هدف این بعثت در سه امر خلاصه شده که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است و دو قسمت دیگر یعنی «تهذیب و تزکیه نفوس» و «تعلیم کتاب و حکمت»، دو هدف بزرگ نهایی را تشکیل می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). گاهی خداوند در رابطه با تمام انبیا هدفی را بیان می‌کند که همان نیز می‌تواند هدف تربیت باشد؛ چراکه مهم‌ترین هدف انبیا در رابطه با انسان و جامعه انسانی، ساختن و تربیت انسان است و از همین روست که می‌توان اهداف رسالت آن‌ها را قالبی مناسب برای استخراج اهداف تربیت دانست.

در آیه ۲۵ سوره حدید خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). در این آیه، هدف تمام انبیا این است که انسان‌ها روی پای خود بایستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۱). با این آیه، گویا نتیجه سیر تربیتی و حرکت انقلابی، به‌پا ایستادن خود انسان بیان شده است (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). طبق این آیه، هدف تربیتی غلتاندن و به‌دوش کشیدن نیست، بلکه هدف راه‌رفتن و به‌پا ایستادن انسان است (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

آیات دیگری در قرآن وجود دارد که برای هرکدام از پیامبران نسبت به قوم خود هدفی را بیان کرده است. همچنان که قرآن، عبودیت را هدف رسالت حضرت صالح (علیه‌السلام) بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ»

(نمل/۴۵). در آیات دیگر نیز هدف رسالت برخی از انبیا می‌تواند گویای اهداف تربیت آن‌ها باشد («مؤمنون/۳۲، فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ»، «نحل/۳۶، وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»).

۳) اهداف قرآن

از آنجا که قرآن، کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست، می‌توان با در نظر گرفتن اهداف این کتاب آسمانی، به اهداف تربیت و هدایت رسید. تفسیر نمونه ذیل آیه «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/۸۹) چنین می‌نویسد: «در این آیه راه بازگشت را به روی این افراد می‌گشاید و به آنان اجازه توبه می‌دهد؛ چراکه هدف قرآن در همه‌جا اصلاح و تربیت است و یکی از مهم‌ترین اسباب اصلاح و تربیت، گشودن راه بازگشت به روی بدکاران و آلودگان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۰). اگرچه این بیان، روش تربیت در قرآن را ذکر می‌کند، اما توجه به این نکته که هدف قرآن در همه‌جا اصلاح و تربیت است، نکته مهمی است که نباید از آن غفلت کرد؛ همان‌طور که هدف قرآن از ذکر تاریخ انبیا، تکمیل برنامه‌های تربیتی از طریق انعکاس عینی واقعیت‌ها در این سرگذشت‌های زنده است (همان، ج ۱۹، ص ۲۹۰).

در برخی آیات، هدف قرآن به کار انداختن عقل بشری است. همچنان که در سوره زخرف، هدف عربی بودن قرآن را این‌چنین بیان کرده است: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف/۳) که در این آیه، غایت جعل و غرض قرآن را تعقل کردن مردم بیان کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۸۴). در برخی دیگر از آیات، تقوا هدف نزول قرآن بیان شده است که می‌تواند در سلسله اهداف تربیت جای گیرد. در سوره زمر خداوند می‌فرماید: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (زمر/۲۸). تقوا هدف نبودن هرگونه انحراف و کژی در قرآن است. قرآن از ما می‌خواهد که خدا را پرهیزگاری کنیم، از او پروا کنیم و به مضمون تقوا در اصلاح دنیا و آخرت خود عمل کنیم (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۴۷۶). بنابراین، اهداف قرآن را به صورت گذرا می‌توان در تقوا،

تعقل و اصلاح عمل دانست که همه این موارد می‌توانند هدف تربیت نیز باشند؛ چراکه قرآن کتاب هدایت و تربیت است.

۴) دستورات کلی

قلب دیگری که می‌توان از آن اهداف تربیت را استخراج کرد، دستورات کلی خداوند است. دستورات الهی گاهی به رفتارهای جزئی و خاص مثل نماز، روزه و... تعلق می‌گیرد و گاهی هم دستورات کلی هستند که بیانگر هدف می‌باشند؛ هدفی که مربی دینی باید به دنبال آن باشد تا زمینه رسیدنش را در وجود متربی ایجاد کند. علت اینکه می‌توان این نوع دستورات را به‌عنوان هدف تربیت دانست، این است که خداوند دستور به تحقق آن‌ها داده است و برای تحقق آن‌ها انبیا را فرستاده تا آن دستورات را پیگیری کنند. همچنان‌که در سوره یوسف می‌فرماید: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ... إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف/۴۰). در این آیه، روش استوار و پایداری که خداوند به آن امر کرده، عبودیت است. بنابراین، این آیه نشان می‌دهد که واجب است سلوک و زندگی ما در این دنیا به‌گونه عبودیت و طاعت خداوند باشد که همه منفعت در این نوع زندگی کردن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۱).

۵) وظایف انبیا

رسالت مهم و اصلی پیامبران، هدایت و تربیت انسان‌هاست. شاید بتوان گفت تربیت تنها وظیفه یا دست‌کم یکی از وظایف اصلی پیامبران است که خداوند آن‌ها را برای این مهم مبعوث کرده است (داوودی، ۱۳۸۹، ص ۳). زمانی که قرآن وظیفه‌ای را برای آن‌ها بیان می‌کند، گویا هدفی است که پیامبران باید به‌سمت آن حرکت کنند. از جمله رسالت‌ها و وظایف پیامبران (از جمله پیامبر اسلام)، تزکیه است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه/۲). قرآن حکیم سه هدف



اساسی «تلاوت آیات»، «تزکیه» و «تعلیم» (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۵۹) را به عنوان هدف بعثت پیامبر مطرح کرده است؛ با این توضیح که «تلاوت منظم و پی‌درپی مقدمه‌ای است برای بیداری و ایجاد آمادگی، برای تعلیم و تربیت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۷). وظیفه‌ای که برای پیامبر گفته می‌شود، می‌تواند مسیری برای رسیدن به هدف تربیت ایجاد کند. البته همان‌طور که گذشت، منظور در این نوشته اهداف غایی نیست، بلکه این قالب‌ها به گونه‌ای هستند که می‌توانند اهداف تربیت را در مرحله‌های مختلف برای ما روشن کنند؛ که در یک بررسی دیگر می‌توان آن‌ها را به اهداف غایی، میانی و عملیاتی دسته‌بندی کرد.

۶) پاداش و جزا

محور دیگری که در این دسته مطرح است، محور «پاداش و جزا» است. اگر در آیات برای گروهی از خوبان پاداش نیکی بیان شد، آن پاداش می‌تواند مطلوب خداوند باشد و هدایت و تربیت به سمت آن هدف‌گیری شود؛ مثل آیه‌ای که پاداش رفتار نیک را حیات طیبه دانسته و چنین می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷). پاداش عمل صالح همراه با ایمان، حیات طیبه است؛ حیات طیبه‌ای که انسان جز رسیدن به آن، هدف نهایی دیگری ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۸۱). همچنین در آیه دیگری، خداوند پاداش کسانی را که مدتی تلاش کردند و بر پایه عشق به خداوند مسیری را طی نمودند، داخل‌شدن در زمره صالحین قرار داده است: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» (عنکبوت/۹). از این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که صالح‌شدن یکی از اهداف هدایت و تربیت است که خداوند آن را در قالب پاداش به نیکان مطرح کرده است.

۷) متعلق رجا و طلب

متعلق رجا و طلب از موضوعات کلی است که می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف تربیت کمک کند. آنچه انسان به آن امید بسته است، می‌تواند هدف او را نشان دهد. متعلق رجا در قرآن برای انسان‌های صالح، می‌تواند حاکی از هدف تربیت و هدایت آن‌ها باشد؛ همچنان که در آیه آخر سوره کهف، «لقاء خداوند» متعلق امیدی است که انسان باید به سمت آن حرکت کند و دعوت می‌شود تا برای رسیدن به کمال مطلوب، رفتار و انگیزه‌اش را با آن کنترل نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰۵): «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰).

علاوه بر متعلق رجا، «طلب» نیز می‌تواند قالبی باشد که ما را به هدف تربیت برساند. در آخرین آیه سوره فتح، خداوند می‌فرماید: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (فتح/۲۹). خوبان عالم و آن‌هایی که با رسول همراه هستند، به دنبال هدفی می‌باشند و آن را از خداوند طلب می‌کنند. «رضوان» هدفی است که تمام روابط آن‌ها را تنظیم کرده و به تمامی ارتباطاتشان با دوستان و دشمنان جهت داده است. علامه طباطبایی این هدف را غایتی برای تمام زندگی مؤمنین بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۲۹۹). در این آیه جنبه هدفی بودن «رضوان» روشن است؛ اما «فضل» اگرچه متعلق طلب است، نمی‌تواند هدف باشد؛ چراکه این واژه نشانگر این نکته است که خود آن برای دریافت مدارج بالاتر جهت رسیدن به رضوان است. نمونه دیگری که از طریق متعلق طلب می‌توان به هدف تربیت رسید، در سوره بقره است که می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/۲۰۷). با توجه به این آیه، می‌توان به این نتیجه رسید که «رضایت الهی» باید تنها محوری باشد که همه امور زندگی انسان بر اساس آن تنظیم شود؛ همچنان که مرحوم علامه می‌فرمایند: زمانی که انسان هیچ هدفی جز این نداشته باشد که فقط به دنبال رضایت خداوند باشد، تمام دین و دنیایش صالح می‌شود و زندگی انسانی‌اش پاکیزه می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۸). بنابراین، متعلق رجا و طلب می‌تواند ما را به اهداف تربیت راهنمایی کند.

۸) امر به صفات

خواسته‌های الهی چه با بیان امر کردن و چه با خبر دادن از صفت ممدوحی، می‌تواند قالب مناسبی برای هدف تربیت باشد؛ چراکه خداوند خواستار هدایت انسان‌ها به سمت آن صفات در مراحل مختلف زندگی‌شان است. بنابراین، خداوند در قالب «امر» می‌تواند مطلوب بودن و در نتیجه هدف بودن آن صفات را برای هدایت و تربیت انسان به تصویر بکشد؛ همچنان‌که در برخی آیات نسبت به تقوا، صدق و مصلح بودن امر شده است و در قرآن چنین می‌فرماید: «اتقوا الله» (آل عمران/۵۰)، «کونوا مع الصادقین» (توبه/۱۱۹) و «اصلح» (اعراف/۱۴۲). همچنان‌که روشن است، صفات «تقوا، صدق و صلاح»، سه هدفی هستند که باید در تربیت قرآنی پیاده شوند.

قالب دیگری که می‌تواند به استخراج اهداف تربیت کمک کند، صفات مطلوب فرد یا جامعه است؛ صفاتی همچون ایمان، اصلاح، تقوا، احسان و... که به آن‌ها امر نشده است، اما صفاتی هستند که در بیانات قرآنی مطلوب خداوند می‌باشند. همچنان‌که محسن بودن در عمل، یکی از صفات پسندیده‌ای است که در قرآن مطرح شده و می‌تواند به‌عنوان هدف هدایت و تربیت دیگران بیان شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۵۰).

با توجه به قالب‌های مطرح‌شده، راه جست‌وجو در آیات قرآن هموار می‌شود و برای این‌که بتوان به آیات مربوط رسید، لازم است موضوعات و قالب‌های کلی را شناسایی کرد و سپس اسلوب‌های بیانی آن‌ها را در نظر گرفت. به‌عبارت دیگر، اسلوب‌های بیانی که در ادبیات معروفاند، باید در این قالب‌ها بررسی شوند تا هدف تربیت دینی کشف شود.

گام دوم: اسلوب‌های بیانی برای کشف هدف

گام بعدی پس از شناخت قالب‌های بیان اهداف، شناخت اسلوب‌های بیان غایت است؛ تا با ترکیب این اسلوب‌ها و قالب‌ها بتوان به کلیدواژه‌های مورد نظر دست یافت. اسلوب‌های بیان برای کشف اهداف را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱- ادات غایات

۲- مفعول لاجله

۳- افعالی که با ماده خود دلالت بر خواست و طلب دارند؛ افعالی همچون «اراد»، «یرید» و ...

(۱) ادات غایات

ادات غایات معمولاً مشخص هستند؛ اداتی همچون «لام»، «حتی»، «لعل» و «الی» که برای بیان غایت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این قسمت، برای نمونه به برخی از آیاتی که این حروف در آن‌ها به کار رفته و مناسب هدف تربیت‌اند، اشاره خواهد شد.

«لام»

در سوره انفال خداوند می‌فرماید: «لَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال/۴۲). شاهد در عبارت «لیهلك و یحیی» است که می‌فرماید: غایت فعل خداوند، تحقق هلاکت و حیات آگاهانه است. نمونه دیگر که ارتباط مستقیمی با اهداف تربیت دارد، در سوره حدید است که می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). این آیه از اهداف و غایات رسولان خبر می‌دهد؛ می‌فرماید ما رسولان خود را با بینات فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب و میزان را گذاشتیم تا آدم‌ها خود به پا ایستند (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص ۳۵). همچنین در آیه‌ای دیگر، خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه/۵). این آیه غایت اوامر و احکام الهی را بیان کرده است؛ همچنان که مرحوم طالقانی در تفسیر خود چنین می‌نویسد: «لام» «لِيَعْبُدُوا»، برای ارائه غایت و نهایت است؛ یعنی امرها و احکام الهی برای این بوده که خلق از عبادت و فرمانبری غیر خدا آزاد شوند و فقط او را بپرستند. اخلاص، پاک و خالص نمودن نیت و عمل از هر انگیزه‌ای جز مقصود و هدف است» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۲).

«لعل»

واژه «لعل» در آیات زیادی به کار رفته است؛ اما چند نمونه که می‌توان در بحث خود از آن‌ها استفاده کرد، عبارت‌اند از: «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶). در این آیه، سبب و هدف ایمان به خداوند و استجابات دعوت او، رشد دانسته شده که امید است تحقق یابد. همچنین در آیات مختلف، تعبیر «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» وجود دارد که به‌عنوان هدف اوامر، نواهی، اعمال و اذکار بیان شده است (حج/۷۷؛ انفال/۴۵؛ مائده/۱۰۰). همچنین هدف اندیشه‌ورزی نیز با ترکیب «لعل» با تفکر، تعقل و... در آیات متعددی بیان شده است؛ به‌عنوان مثال خداوند می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف/۳). این آیه، هدف عربی بودن قرآن را عقل‌ورزی انسان‌ها بیان کرده است. برخی از مفسران در بحث هدف رسالت، برای واژه «لعل» جایگاه ویژه‌ای قائل شده‌اند و عقل‌ورزی با واژه «لعل» را از اهداف رسالت بیان کرده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۴۲۹).

«الی»

واژه دیگری که معروف به بیان انتهای غایت است، «الی» می‌باشد؛ همچنان که در سوره جن آمده است: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن/۲). در این آیه، خداوند غایت هدایت را «رشد» می‌داند. بنابراین، «رشد» می‌تواند به‌عنوان هدف قرآن در نظر گرفته شود؛ در نتیجه، ترکیب اسلوب «الی» با قالب هدف قرآن نشان می‌دهد که «رشد»، هدف تربیت و هدایت است.

۲) مفعول لاجله

اسلوب مفعول لاجله برای تعلیل و بیان هدف در آیات و روایات، کاربرد فراوانی دارد. در آیاتی که واژه «ابتغاء» در آن‌ها به کار رفته، معمولاً از اسلوب مفعول له برای بیان غایت استفاده کرده‌اند. مثلاً خداوند در سوره حدید می‌فرماید: «وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ»

(حدید/۲۷). در این آیه، «ابتغاء رضوان الله» باید غایت رهبانیت خودساخته‌ای باشد که مردم شعارش را می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ۳۸۲).

(در مورد «إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» در آیه ۲۷ حدید نیز دو نظر است: نخست این که استثنای منقطع باشد و مفهومش این است که «و لکنهم ابتدعوها ابتغاء رضوان الله»؛ دیگر این که استثنای متصل باشد و مفهومش این است که ما نوعی از رهبانیت را بر آن‌ها مقرر داشته بودیم که هدف در آن، جلب رضای خدا بود؛ اما آن‌ها رهبانیت را به نوع دیگری تحریف کردند که برخلاف رضای حق بود. به نظر می‌رسد که تفسیر اول در هر دو مورد مناسب‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ۳۸۲).

همچنین عبارت «ابتغاء وجه الله» در آیات نیز از همین نمونه‌هاست.

۳) افعال دلالت‌کننده بر خواسته

افعالی مثل «اراد» که دلالت بر خواست خداوند دارند، بیانگر هدف تربیت هستند. مثلاً در سوره جن، خداوند می‌فرماید: «أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا» (جن/۱۰) که در این آیه، «رشد» غایتی است که خداوند آن را اراده کرده است. در همین رابطه، می‌توان به آیه ۶ در سوره مائده اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ» (مائده/۶). در این آیه، هم از قالب «افعال دلالت‌کننده بر خواسته» استفاده شده است و هم از اسلوب «لام» در فعل «ليطهرکم».

در روایات نیز این اسلوب بسیار به کار رفته است که برای شناخت هدف و مقصود معصوم می‌توان از آن استفاده کرد؛ چراکه مهم‌ترین کار معصوم در این عالم، هدایت و تربیت انسان‌هاست. در صورتی که مقصود خود را با این افعال بیان کنند، می‌توان از آن‌ها برای استخراج اهداف (چه در رابطه با اهداف میانی یا جزئی و چه غایی) بهره برد. همچنان که مرحوم صفایی نیز این اسلوب را برای رسیدن به مقصود امام پیشنهاد می‌کند و چنین می‌نویسند:



«اگر بنا شد مقصد علی را بشناسیم و به خواسته‌ها و اهداف علی راه پیدا کنیم، باید در سخنان حضرت به کلمه‌هایی چون: ارید، اطلب، همتی، رغبتی، ارید ان ادوی بکم، انی اریدکم لله... ذمتی بما اقول... ذرونی و التمسوا غیری انا مستقبلون امرا، مراجعه کنیم؛ کلمه‌هایی که امر و خواسته‌های علی را نشان می‌دهند» (صفایی حائری، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

بنابراین، با توجه به اسلوب‌های بیانی می‌توان جست‌وجوی قرآنی را محدود کرد و بر آیاتی تمرکز یافت که ما را برای رسیدن به هدف تربیت کمک می‌کنند. اسلوب‌های سه‌گانه با ترکیب قالب‌های مطرح‌شده در گام اول، می‌توانند ما را به عناوین اهداف تربیت برسانند.

گام سوم: به دست آوردن کلیدواژه‌های مناسب برای اهداف تربیت از قرآن

با کاربست قالب‌ها و اسلوب‌های مطرح‌شده، عناوین مناسب هدف تربیت به دست می‌آید. واژه‌های انتخاب‌شده، نشانگر وضعیت‌هایی در ارتباط با انسان‌هاست که باید برای تحقق آن‌ها در زندگی کوشید (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۳). برخی از واژه‌هایی که می‌توانند دلالت بر اهداف تربیت داشته باشند، عبارت‌اند از:

رشد: (جن/۱۰)، «أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا»

طهارت: (مائده/۶)، «لَکِنْ یُرِیدُ لِیُطَهِّرَکُمْ»

حیات طیبه: (نحل/۹۷)، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا یَعْمَلُونَ»

عبودیت: (ذاریات/۵۶)، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ»

تقوا: (آل عمران/۵۰)، «وَمُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلِ لَکُمْ بَعْضَ الَّذِی حَرَّمَ عَلَیْکُمْ وَ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا»



قرب: (کهف/۱۱۰)، «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»

رضوان: (فتح/۲۹)، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»

قیام به قسط: (حدید/۲۵)، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

فلاح: (اعراف/۶۹)، «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصِطَةً فَأَذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ بقره: ۱۸۹، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» [فلاح و رویش هدف تقوا]

تفکر و تعقل: (یوسف/۲)، «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» - توضیح: آیه مربوط به سوره یوسف در متن اصلی به همین شکل درج شده بود

صالحین: (عنکبوت/۹)، «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ»

تزکیه و تعلیم: (جمعه/۲)، «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» و ...

همچنان که روشن است، بر اساس قالب‌ها و اسلوب‌های مطرح‌شده، می‌توان این واژه‌ها را به‌عنوان اهداف تربیت در نظر گرفت. اگرچه با بررسی بیشتر، واژه‌های افزون‌تری به‌دست خواهد آمد؛ واژه‌هایی که برخی از آن‌ها از همان ابتدا روشن است که دلالت بر روش، برنامه یا مطالب دیگری غیر از هدف دارند که در آغاز کنار گذاشته می‌شوند؛ مانند «بشیر» و «نذیر» که در آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره/۱۱۹) در قالب صفات یا وظایف انبیا آمده‌اند. از همان ابتدا روشن است که این دو صفت، دو اصل یا روش تربیتی هستند،

نه هدف تربیت. همچنان که صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «دو اصل مهم تربیتی «بشارت» و «انذار» یا «تشویق» و «تهدید»، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

با توجه به این مرحله که کلیدواژه‌ها به دست آمدند، باید گام بعدی را طی کرد و عناوین را جمع‌بندی و منظم ساخت.

گام چهارم: جمع‌بندی کلیدواژه‌ها در راستای اهداف غایی

یکی از دشوارترین کارها پس از استخراج عناوین دلالت‌کننده بر هدف تربیت، جمع‌بندی و منظم کردن کلیدواژه‌های به دست آمده است که خود نیازمند پژوهشی مستقل است؛ اما در اینجا می‌توان شیوه جمع‌بندی را به اختصار بیان کرد. برای تنظیم اهداف به دست آمده، باید چند نکته را در نظر گرفت: ابتدا باید عناوینی که با هدف غایی مناسبت ندارند (مانند مواردی که بیانگر روش یا مراحل کار هدایت و تربیت هستند) کنار گذاشته شوند. مثلاً عبارت «فُضْلاً» در آیه ۲۹ سوره فتح: «يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَاناً» در اسلوب «طلب» بیان شده است، اما روشن است که «فضل» نمی‌تواند به عنوان هدف در نظر گرفته شود. یا در آیه ۱۱۹ سوره بقره: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»، «بشیر» و «نذیر» در قالب صفات یا وظایف انبیا آمده‌اند و از همان ابتدا مشخص است که دو اصل یا روش تربیتی هستند. همچنان که صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «دو اصل مهم تربیتی «بشارت» و «انذار» یا «تشویق» و «تهدید»، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۵).

همچنین به عنوان مثال، «تزکیه» و «تعلیم» اگرچه می‌توانند جزو اهداف تربیت باشند، اما مشخص است که هدف غایی محسوب نمی‌شوند؛ چراکه این آموزش و تزکیه، خود مقدمه‌ای برای رسیدن به اهدافی مانند قرب، عبودیت، رضوان، حیات طیبه و... هستند. بشارت و انذار نیز دو

عنوانی هستند که از قالب «وظایف و صفات انبیا» به دست می‌آیند؛ اما مشخص است که این دو، روش تربیت‌اند، نه هدف.

سپس باید به ویژگی‌های اهداف غایی، میانی و جزئی توجه داشت؛ با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان مشخص کرد که کدام‌یک از واژه‌ها باید در کدام دسته (جدول اهداف غایی، میانی یا جزئی) قرار گیرند. گام بعدی، مشخص کردن رابطه اهداف با یکدیگر است. در این مرحله، با در نظر گرفتن چند ملاک می‌توان رابطه طولی یا عرضی و همچنین کلی یا جزئی بودن آن‌ها را معین کرد؛ مثلاً با توجه به سه بُعد شناختی، احساسی و رفتاری انسان، اهداف هر بخش را می‌توان در جایگاه مناسب خود قرار داد (برای نمونه، «تفکر» در بخش اهداف شناختی و «ایمان» در بخش اهداف احساسی جای می‌گیرد). توجه به اهدافی که می‌توانند مقدمه اهداف دیگر باشند نیز در این قسمت ضروری است که البته باید در نوشته‌ای دیگر به تفصیل به آن پرداخت؛ اما در اینجا به‌طور مختصر، ملاک‌هایی را برای تنظیم عناوین به دست آمده بیان می‌کنیم.

۱) ویژگی‌های اهداف غایی و کلی

با به‌کارگیری قالب‌ها و اسلوب‌ها در متون دینی، انبوهی از عناوین هدف‌دار (مانند «اسلام»، «ایمان»، «تقوا»، «صدق»، «صلاح»، «رشد» و...) به دست می‌آید که هر یک می‌توانند به‌نوبه خود یک هدف باشند. بنابراین، باید تمام عناوین استخراج‌شده را ارزیابی، گزینش و دسته‌بندی کرد و بررسی نمود که کدام‌یک به‌عنوان هدف غایی، کدام هدف کلی (میانی) و کدام هدف جزئی حوزه تربیت محسوب می‌شوند. برای مشخص شدن نوع هدف، نیازمند شناخت ویژگی‌های هر یک از این سطوح هستیم.

درباره هدف غایی می‌توان چهار معیار را بیان کرد: ۱. از جهت تعداد، یکی بیشتر نیست؛ ۲. برای دستیابی به آن نیازمند اهداف دیگر هستیم؛ ۳. آن را برای چیز دیگری نمی‌خواهیم؛ به‌عبارت‌دیگر، مطلوب نهایی است؛ ۴. رگه‌ای از هدف غایی باید در اهداف واسطه‌ای نیز موجود



باشد و بر آن‌ها سایه بیندازد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۹، ۷۲). با توجه به این معیارها، می‌توان هدف غایی را با واژه‌هایی نظیر قرب، رضوان، عبودیت، حیات طیبه و فلاح بررسی کرد.

مهم‌ترین ویژگی اهداف واسطه‌ای، واسطه‌بودن آن‌ها برای رسیدن به هدف غایی است. برای مثال، «اسلام» یک هدف شناختی برای رسیدن به «عبودیت» است. پس از آن، «ایمان» قرار دارد که هدف واسطه‌ای دیگری در حوزه گرایش است و در انتها، هدف «تقوا» است که راه رسیدن به عبودیت را در حوزه رفتار مشخص می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۸).

۲) توجه به مراتب طولی مطرح‌شده در آیات و روایات

توجه به مراحل که در آیات و روایات مطرح شده، راه روشنی است که می‌تواند سیر طولی در هدف‌گذاری را برای ما مشخص کند. با دقت در برخی آیات به این نکته پی می‌بریم که برای نمونه، اسلام مرحله‌ای پیش از ایمان است: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات/۱۴). یا اینکه تقوا مرحله‌ای پیش از فلاح و رستگاری است: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره/۱۸۹). در این موارد می‌توان به‌خوبی ارتباط برخی از عناوین به‌دست‌آمده را متوجه شد؛ همچنان که امر به تقوا که خود می‌تواند هدفی میانی باشد، برای تحقق هدفی بالاتر که «فلاح» است، در نظر گرفته شده است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۱۰).

برای دسته‌بندی عناوین به‌دست‌آمده، از مراحل که در روایات وجود دارد، می‌توان کمک فراوانی گرفت. در احادیث معروف به «درجات» که از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده، اسلام، ایمان، تقوا و یقین درجاتی هستند که گویا شخصی که می‌خواهد در مسیر هدایت خود یا دیگران گام بردارد، باید این پلکان را به تدریج ببیماید. حضرت رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي

الْحَسَنَ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ مَا قُسِمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقَلُّ مِنْ الْيَقِينِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۱).

درجه «اسلام» همان بُعد معرفتی و شناختی است که مربی باید برای رسیدن به آن هدف، برنامه‌ریزی کند. «ایمان» هدفی است که در مرحله احساس و گرایش مطرح می‌شود و همچنین «تقوا»، هدف رفتاری است که باید به آن توجه داشت. «یقین» نتیجه طی این مراحل چندگانه و پاداش کسی است که در مرحله عبودیت گام برداشته است: «وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۹). مرحوم صفایی در رابطه با سه هدف اسلام، ایمان و تقوا چنین می‌نویسد: «شناخت و معرفت، اسلام است و همین که در دل تو و در احساس تو نشست، ایمان است و آن‌جا که به عمل پیوست و بار داد، تقوا و اطاعت است» (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ۱۱۵). ایشان پیرو همین سخن، در جای دیگر درباره ارتباط بین اهداف تربیتی در نظام تربیت چنین می‌نویسد: «در نظام تربیتی، آدمی با سؤال، با تذکر، با تعلیم، با روش رسول آغاز می‌کند و در شناخت و احساس و در مغز و قلب او اسلام و ایمان پایه می‌گیرد و به عمل و تقوا و احسان و اخبات و قرب و سبقت و لقاء و رضا و رضوان می‌رسد» (صفایی حائری، ۱۳۸۳، ۲۰).

در گام اول تربیت که حوزه شناخت و اسلام است، مربی باید تلقی جدیدی نسبت به ارزشمندی خود و شناختی نو نسبت به حاکم، هستی و روابطش پیدا کند. با التزام و شناخت او در این حوزه، به تدریج گرایش‌های جدیدی (مرحله دوم، ایمان و گرایش) نسبت به الله در وی می‌روید. او با احساس عظمتی که نسبت به خود پیدا می‌کند، درمی‌یابد که هر معشوقی شایسته عبودیت نیست (در مرحله شناخت، می‌توان عناوینی چون «تفکر» و «تعقل» را جای داد که در مرحله قبل از روایات استخراج شده بودند). او در مرحله ایمان دریافته است که باید عاشق کسی بود که می‌بخشد و عطا می‌کند. او دریافته است که معبود او دهنده است و دیگران گیرنده. او در عشقش یافته است که بت‌های دیگر، از نفس و خلق گرفته تا دنیا و شیطان، چیزی نمی‌دهند و

اگر هم دهنده باشند، رحیم نیستند؛ چراکه می‌دهند تا بیشتر بستانند (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ۱۴۷).

متربی پس از طی کردن هدف اسلام (شناخت) و ایمان (گرایش)، برای مرحله بعد (تقوا) باید آماده شود. تقوا مرحله عمل و پس از اسلام و ایمان، یعنی پس از معرفت و احساس و محبت است (همان، ۱۴۸). تقوا حفظ و صیانت خویش از رنج‌ها و ضررهایی است که در مرحله اسلام دریافته است. او می‌داند که اگر خود را برای غیرمعبود حقیقی خرج کند، دچار چه گرفتاری‌هایی خواهد شد. او احساس کرده که معبودهای دیگر از او می‌کاهند، استعدادهای او را هدر می‌دهند و ترس‌های جدیدی برایش می‌کارند (غنوی، ۱۳۹۲، ص ۶۳). در نتیجه، در رفتار خود احتیاطی دارد تا از مسیر حاکمی که عاشقش شده است، خارج نشود. بنابراین، می‌توان بر اساس روایات وارد شده از امام رضا (علیه‌السلام)، اسلام، ایمان و تقوا را سه هدف و سه مرحله میانی (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲) دانست که در بُعد شناخت، احساس و رفتار، ما را به هدف نهایی تربیت می‌رسانند.

۳) توجه به «ساحت‌ها» و «شئون مختلف» وجود انسان

در بحث از مبانی انسان‌شناختی، انسان دارای سه ساحت «بینش»، «گرایش» و «کنش» یا به عبارت دیگر، سه ساحت «بینشی»، «گرایشی» و «توانایی» است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۳۲۵). هر ساحت خود دارای استعدادها و توانمندی‌های خاص و شکوفاپذیر است و با شکوفاشدن و فعلیت‌یافتن آن‌ها، می‌توان افعال اختیاری انسان را به سمت هدف نهایی جهت داد تا با شتاب مناسب برای دستیابی به آن حرکت کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۲۲۱-۲۳۰). بنابراین، با تحلیلی که در مبانی انسان‌شناختی انسان وجود دارد، ابعاد و شئون وجودی را می‌توان در سه ساحت کلی بینش، گرایش و توانایی جای داد و عناوینی را که از قرآن به دست آمده است، در این سه ساحت منظم کرد.

۴) توجه به ارتباط طولی و عرضی واژگان قرآنی

اهدافی که نسبت به هم ارتباط عرضی دارند، می‌توانند کنار هم قرار بگیرند. به عبارت دیگر، برخی واژگان نسبت به هم از نوعی استقلال برخوردارند. برای نمونه می‌توان به دو واژه «تعاون» و «تفکر» اشاره کرد که هر کدام مستقل هستند. «تعاون» هدفی ناظر به شأن اجتماعی و «تفکر» هدفی ناظر به شأن فکری است. این دو می‌توانند در عرض یکدیگر قرار بگیرند؛ اما اهدافی که نسبت به هم ارتباط طولی دارند، نمی‌توانند در کنار یکدیگر و مستقل از هم در نظر گرفته شوند، بلکه هدفی که در طول اهداف دیگر قرار گرفته، همواره با همه آن‌ها همراه است. در نتیجه می‌توان گفت هدف «قرب» با دو هدف «تعاون» و «تفکر» ارتباط طولی دارد (باقری، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

همچنین، در آیات مختلف قرآن به هدف آفرینش انسان یا مجموع این جهان اشاره‌هایی شده است که در نگاه اول ممکن است مختلف به نظر برسند؛ ولی با کمی دقت در این آیات به این نکته پی می‌بریم که برخی مقدمه برخی دیگر هستند. آگاهی و معرفت، مقدمه‌ای است برای بندگی و عبادت: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) و آن نیز مقدمه‌ای است برای آزمون و تربیت بشر: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود/۷) و آن هم مقدمه‌ای است برای بهره‌گیری از رحمت خدا: «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (هود/۱۱۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۵). بنابراین، با توجه به رابطه طولی و عرضی واژگان قرآنی می‌توان پس از استخراج عناوین به دست آمده، آن‌ها را جمع‌بندی کرد.

نتیجه‌گیری

برای استخراج اهداف تربیت از قرآن، طی کردن چهار گام مهم ضروری است:

۱. گام اول، به دست آوردن قالب‌ها و موضوعات کلی است که به واسطه آن‌ها می‌توان اهداف تربیت دینی را از قرآن کشف کرد. این قالب‌ها عبارت‌اند از: هدف خلقت، اهداف رسالت و بعثت،



اهداف قرآن، دستورات کلی، وظایف انبیاء، پاداش و جزا، متعلق رجا و طلب و در انتها امر به صفات در قرآن.

۲. گام دوم، شناسایی اسلوب‌های بیانی در قالب‌های مطرح‌شده است که راه ما را برای کشف اهداف تربیت دینی هموار می‌سازد. اسلوب‌هایی همچون ادات غایت، مفعول لاجله و افعالی مثل «أراد، یُريد و ...» که بیانگر مقصود و هدف خداوند حکیم در هدایت است.

۳. گام سوم، رسیدن به کلیدواژه‌های پیشنهادی برای اهداف تربیت دینی است. با ترکیب قالب‌ها و اسلوب‌های بیانی می‌توان به کلیدواژه‌های مناسب برای هدف تربیت دینی دست یافت.

۴. گام چهارم و دشوارترین مرحله، جمع‌بندی کلیدواژه‌ها و رعایت ترتیب آن‌هاست که البته باید مفصل‌تر در نوشته‌ای دیگر به آن پرداخت. اما به‌طور اجمال می‌توان چند روش را برای جمع‌بندی بیان کرد تا بتوان عناوین به‌دست‌آمده را سامان داد: توجه به ویژگی‌های اهداف غایی و کلی، توجه به مراتب طولی و عرضی عناوین، و توجه به ساحت‌های بینشی، احساسی و رفتاری انسان. در انتها، با استفاده از روایت «درجات» از امام رضا (علیه‌السلام)، می‌توان این عناوین را در سه قسمت «اسلام»، «ایمان» و «تقوا» منظم کرد که به‌ترتیب سه بُعد شناختی، احساسی و رفتاری انسان را پوشش می‌دهند.



- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق
- (۳) باقری خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ج ۱، چاپ ۱۷، مدرسه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۸۱، ۷۳، ۷۰
- (۴) حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۶.
- (۵) حسینی زاده سید علی، غایت تربیت از دیدگاه اسلامی، فصلنامه علمی تربیت اسلامی، س ۱۵، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۷۲.
- (۶) داوودی، محمد، حسینی زاده سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت، زمستان ۱۳۸۹، تهران ص ۳
- (۷) صفایی حائری، علی، حرکت، لیلہ القدر، چ ۲، ۱۳۸۹، قم
- (۸) از معرفت دینی تا حکومت دینی، لیلہ القدر، قم، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸ و ۱۴۷ و ۷۲
- (۹) روش برداشت از نهج البلاغه، لیلہ القدر، قم، ۱۳۸۵، ص ۳۱
- (۱۰) حرکت، لیلہ القدر، قم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰
- (۱۱) نامه‌های بلوغ، لیلہ القدر، چ ۴، ۱۳۸۶ ه. ش. قم. ص ۱۱۵
- (۱۲) نظام اخلاقی اسلام، لیلہ القدر، ۱۳۸۳، قم. ص ۲۰
- (۱۳) مسئولیت و سازندگی، قم، انتشارات لیلہ القدر، ۱۳۸۸، ص ۳۶ و ص ۵۷
- (۱۴) طالقانی سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۴، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲. ج ۴، ص ۲۱۲
- (۱۵) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱۸، ج ۲، ج ۴، ج ۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق. ج ۱۹ ص ۱۷۱ و ۳۵۰، ج ۱۸، ص: ۸۴، ج ۲، ص: ۱۲۱ و ۹۸، ج ۴، ص: ۸۱ و ۲۹۹، ج ۱۳، ص: ۴۰۵
- (۱۶) شاملی عباسعلی مبنای و اصول فلسفه آموزش و پرورش از یک چشم انداز دینی؛ نوآوری های استاد علامه مصباح یزدی در فلسفه آموزش و پرورش معرفت ۱۳۸۴ شماره ۹۲
- (۱۷) النحلای عبدالرحمن، اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها فی البیت و المدرسه و المجتمع، دمشق، دارالفکر، الطبعة الثانية، ۱۹۹۹ ق. صص ۱۰۸-۱۰۷
- (۱۸) غنوی امیر، سلوک اخلاقی طرح‌های روایی، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۶۳
- (۱۹) فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، و ابراهیم سامرائی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق



- ۲۰) کاظمی، سیدعلی، ۱۳۹۷، اهداف میانی تربیت در معارف رضوی، اولین کنفرانس بین المللی تربیت دینی در ادیان ابراهیمی، مشهد،، ۹۰۳۳۰۹. <https://civilica.com/doc/903309> ص ۵ و ۱۲
- ۲۱) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق. باب فضل الإیمان علی الإسلام و الیقین علی الإیمان ... ج ۲، ص : ۵۱. از وشاء، گوید: از ابی الحسن (ع) شنیدم می فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان است، و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است؛ میان مردم چیزی کمتر از یقین پخش نشده است.
- ۲۲) الکیلانی ماجد عرسان ، اهداف التریبه الاسلامیه، مکتبه دار التراث المدینه، مدینه منوره، دیسمبر ۲۰۰۹، ص ۱۶
- ۲۳) مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۴، بیروت، دارالأحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. « لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ » ص ۱۹۹، « فَلَوْلَاكُمْ مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ » همان ج ۳۶، ص ۳۰۲
- ۲۴) مدرسی سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق، تهران. ج ۱۱، ص: ۴۷۶، ج ۱، ص: ۲۵۹، ج ۱۲ ص ۴۲۹
- ۲۵) مصباح یزدی و همکاران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱. ص ۴۰، ۴۷، ۱۵۵، ۶۰، ۳۲۵
- ۲۶) مصطفوی حسن، تفسیر روشن، ، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰. ج ۲، ص: ۴۱۰
- ۲۷) مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، نشر صدرا، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۰ ش. ص ۱۴
- ۲۸) مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴. ج ۲۴، ص: ۲۶۴ و ۲۶۵، ج ۲، ص: ۶۵۰، ج ۱۹، ص: ۲۹۰، ج ۱، ص: ۴۵۷ و ۴۲۵، ج ۲۳ ص ۳۸۲